

حقیقت و مشروعیت بیمه عمر از دیدگاه فقها و حقوقدانان معاصر

اسلامی

سعید افشاری^{۱*}، سید محمد تقی قبولی درافشان^۲، مجتبی الهیان^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

۳. استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۳)

چکیده

امروزه بیمه‌های عمر و زندگی از مصادیق بسیار اثرگذار و پرکاربرد در عرصه اقتصادی و اجتماعی هستند. در این نوع بیمه‌ها اشخاص قادرند با صرفه‌جویی در هزینه‌ها و پرداخت‌های مستمر ماهیانه، سرمایه‌ای را فراهم کنند که تأمین هزینه‌های تحصیل فرزندان، ازدواج، جهیزیه، ساخت مسکن و ... را میسر کند. اما شبهات و اشکال‌های فقهی و حقوقی در این زمینه موجب شده است هنوز این نوع بیمه‌ها جایگاه واقعی خود را در کشورهای اسلامی پیدا نکنند. از این دیدگاه، فقها و حقوقدانان معاصر اسلامی در زمینه حقیقت و مشروعیت بیمه عمر، نظرهای متفاوتی دارند؛ به گونه‌ای که برخی آن را به طور کلی نامشروع و به مثابه معامله ربوی، غری، سفهی، قمار، امانی، تحدی با قضا و قدر و اکل مال به باطل می‌دانند و عده دیگری قائل به جواز بیمه عمر در قالب قرارداد صلح، تعاون، ضمان، ودیعه و مضاربه و... هستند و با تمسک به عموم ادله شرعی و عقلایی بودن و اصل آزادی قراردادها، به جواز و مشروعیت همه انواع بیمه عمر رأی داده‌اند. از این رو، مقاله حاضر به تحلیل و بازخوانی حقیقت و مشروعیت انواع بیمه‌های عمر براساس موازین فقه امامیه و حقوق ایران اختصاص دارد و با تطبیق بر فقه عامه (مذاهب شافعی، حنفی، حنبلی و مالکی) به تبیین نظریه پردازی‌های فقها و حقوقدانان معاصر اسلامی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

بیمه، بیمه عمر، تعهد به نفع شخص ثالث، فقه امامیه، ماهیت حقوقی، مشروعیت، مذاهب اربعه.

مقدمه

وجود محیط آرام و باامنیت یکی از بارزترین تمایلات انسان محسوب می‌شود و همواره بشر سعی داشته است که با فعالیت‌های اقتصادی برای ساختن یک زندگی بهتر، کوشش خویش را به کار گیرد. یکی از مهم‌ترین آفات خانواده، نگرش ابهام‌آمیز اعضای آن نسبت به آینده از جنبه مالی است. داشتن ذهنیت در مورد عدم استقلال مالی در آینده، مصدر بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی به‌ویژه در افراد جوان خانواده خواهد بود. اگر فرد بداند که خطرات احتمالی تهدیدکننده انتقال‌پذیر هستند و بدون اتکا به هیچ‌کس، خود در آینده صاحب سرمایه‌ای خواهد بود، تا حد امکان سعی می‌کند در مقطع فعلی بیشتر تلاش کند و گام‌های مؤثر و مطمئن‌تری بردارد، چرا که واقف است که پس‌اندازهایش در آینده به سرمایه‌ای شایان توجه تبدیل خواهد شد و دستخوش آفات اقتصادی و مالی نمی‌شود. بیمه عمر و پس‌انداز با توجه به ویژگی‌های خاصشان شاید تا حدود زیادی متضمن به‌وجود آمدن آرامش و آسودگی خاطر خانواده در حال و آینده باشند. از این رهگذر آمارهای موجود نشان‌دهنده آن است که تعداد قراردادهای بیمه عمر رو به افزایش نهاده است.

قرارداد بیمه عمر، تابع قواعد عمومی قراردادها بوده و از موانع فقهی و حقوقی مبرا است. با این حال در نحوه حصول اعتبار فقهی و حقوقی این قرارداد، اختلاف نظرهای اساسی وجود دارد. فقهای شیعه، قرارداد بیمه عمر را به دلیل شمول عمومات ادله صحت عقود و تبعیت از قواعد عمومی قراردادها و مبرا بودن از موانع فقهی از قبیل ربا، قمار، غرر، جهل به عوضین، تعلیق و محصور ندانستن عقود در قالب‌های معین و معهود، به عنوان عقدی مشروع و مستقل پذیرفته‌اند، هرچند که معتقدند قرارداد بیمه عمر، شاید با ادراج در برخی عقود معین و نهادهای حقوقی، مانند صلح، هبه معوض، مضاربه و تعهد به نفع شخص ثالث و ... منعقد شود. فقهای اهل سنت، به دلیل وارد دانستن برخی ایرادهای

فقهی بر قرارداد بیمه عمر، با عنوان عقدی مستقل و منحصر دانستن عقود در قالب های معین، مشروعیت قرارداد بیمه عمر را تنها از طریق انعقاد آن در قالب عقود معینی همچون مضاربه و هبه معوض و... پذیرفته اند.

در مقاله حاضر، ضمن بررسی بستر تحول تاریخی قرارداد بیمه عمر و تبیین اقسام آن، حقیقت و مشروعیت آن واکاوی و تحلیل می شود. برای نیل به این مهم، ناگزیر از رفع شبهه هایی مانند غرر، جهل، تعلیق و ربا در بیمه های عمر و ارتباط آن با تعهد به نفع ثالث و بررسی شرایط صحت انعقاد آن براساس مبانی فقهی اسلامی خواهیم بود.

الف) بررسی بستر تحول تاریخی بیمه عمر

در تاریخ بیمه، بیمه دریایی، اولین بیمه ای است که در محافل بازرگانی پذیرفته شد و پس از آن بود که بیمه عمر رواج یافت. اولین قرارداد بیمه عمر، در ماه ژوئن سال ۱۵۸۳ در مؤسسه بیمه بورس سلطنتی لندن منعقد شد. در اوایل، بیمه عمر به صورت شرط بندی دو نفر روی عمر شخص ثالث بود و بسیاری از مردم از پذیرش آن خودداری و اظهار می کردند این عمل صحیح نیست که انسان آرزوی مرگ شخصی را داشته باشد یا در مقابل مرگ کسی که در نظرش عزیز است، پولی دریافت کند. چنین دیدگاهی مانع آن بود که بیمه عمر توسعه پیدا کند و در نتیجه بسیاری از مردم بعد از مرگ نان آور خانواده در وضع ناگواری قرار می گرفتند، زیرا قادر به تشخیص این مهم نبودند که مرگ سرپرست خانواده، گذشته از صدمات روحی، مسائل مالی برای افراد خانواده به وجود می آورد. بیمه عمر تا اوایل سده نوزدهم به کندی پیش می رفت. در طول این سده دانشمندان با استفاده از علم احتمالات و محاسبات مالی، بیمه عمر را از صورت اولیه خارج و برپایه محکم علمی استوار کردند. بیمه عمر به شکل نو، در صندوق تعاونی و کشیش های کلیسا «پرس بی ترین»^۱

در سال ۱۳۵۹ شکل گرفت و در سال ۱۸۷۵ این صندوق موفقیت‌های بزرگی به دست آورد و پس از پنج سال، تعداد زیادی از شرکت‌های بیمه عمر در سواحل ایالات «نیویورک» و «نیوجرسی» به وجود آمدند (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۴).

در ایران، شرکت سهامی بیمه ایران از سال ۱۳۱۵ عملیات بیمه عمر را آغاز کرد و تا سال ۱۳۳۱ این شرکت، تنها مؤسسه‌ای بود که در این زمینه فعالیت داشت. از سال ۱۳۳۱ به بعد پنج شرکت بیمه مختلط خصوصی تأسیس شد که تمامی شرکت‌ها در زمینه بیمه عمر هم کم‌وبیش فعالیت داشتند. تنها شرکتی که در زمینه بیمه عمر فعالیت چشمگیری داشت، «شرکت سهامی بیمه ایران و آمریکا» بود که در مدتی نزدیک به چهار سال بیش از ده هزار بیمه‌نامه صادر کرد. بعد از انقلاب اسلامی شرکت‌های بیمه به استثنای بیمه ایران، در چهارم تیرماه ۱۳۵۸ ملی و در شهریور ۱۳۶۰ در هم ادغام شدند و دو شرکت بیمه به اسامی بیمه آسیا و البرز را تشکیل دادند. تمامی بیمه‌نامه‌های صادره شرکت‌های ملی شده، همراه با اندوخته ریاضی آنها به شرکت بیمه آسیا منتقل و این شرکت موظف شد که تعهدات شرکت‌های بیمه ملی شده را نسبت به بیمه‌گزاران بیمه عمر بر عهده بگیرد. شایان ذکر است که شرکت سهامی بیمه دانا نیز با تصویب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۸ تأسیس و به صورت خصوصی در بخش بیمه اشخاص فعال شد و از سال ۱۳۷۶ نیز به جمع سایر شرکت‌ها با فعالیت در همه زمینه‌های بیمه‌ای پیوست (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۴).

در متون فقهی و سنت اسلامی، درباره بیمه عمر بحث نشده است، اما عقود ملاحظه می‌شود که کارکردی همچون عقد بیمه دارند. همین مسئله سبب شده است که برخی از نویسندگان، با مقایسه عقد بیمه با عقود همچون ضمان جریره، سابقه بیمه را به پیش از اسلام بازگردانند. این در حالی است که با وجود شباهت‌هایی که بین ضمان جریره یا ضمان عاقله با عقد بیمه به چشم می‌خورد، این امور را به هیچ وجه نمی‌توان یکسان دانست. (صادقی مقدم، شکوهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۲). اولین بار، بحث بیمه در سده سیزدهم قمری وارد فقه اسلامی شد. در واقع، این امر همزمان با ورود بیمه به سرزمین‌های اسلامی

رخ داد و اولین فقیهی که به موضع گیری درباره این موضوع پرداخت، عالم اهل تسنن محمد بن عبدالعزیز بن عابدین دمشقی، معروف به ابن عابدین (۱۱۹۸-۱۲۵۲ ق) بود (جمالیزاده، ۱۳۸۰: ۳۹۷). وی در بحث جهاد کتاب رسائل، بابی نیز با عنوان المستأمن، ذکر کرده است. در کنفرانس فقه اسلامی که در سال ۱۴۰۶ در مکه مکرمه تشکیل شد، قریب به اتفاق شرکت کنندگان از فقیهان عامه کشورهای مختلف اسلامی، بر تحریم انواع بیمه غیر تعاونی اجماع کرده‌اند و این اجماع در چارچوب فقه اهل سنت می‌تواند معتبر باشد، هرچند که بر شیعیان تکلیفی ایجاد نمی‌کند (صادقی مقدم، شکوهی‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۰). از علمای شیعه، اولین کسی که بحث بیمه را مطرح کرد و درباره آن به اظهار نظر پرداخت، مرحوم محمد کاظم یزدی طباطبایی، فقیه نامدار شیعه و صاحب کتاب ارزشمند «العروة الوثقی» است (عرفانی، ۱۳۷۱: ۷۳). سایر علمای معاصر اسلامی نیز در کتاب‌های فقهی خود، بخشی را به اظهار نظر در باب بیمه اختصاص داده‌اند (حلی، ۱۳۸۴: خویی، ۱۴۱۲ق؛ امام خمینی، ۱۴۰۳).

ب) تبیین بیمه عمر

بیمه در لغت به معنای ایمن داشتن جان و مال از خطرات احتمالی است، که به نظر می‌رسد کلمه بیمه از واژه بیم مشتق شده باشد (توفیق عرفانی، ۱۳۷۱: ۹) و در اصطلاح «نوعی معامله و قرارداد است که تعهدی را برای طرفین قرارداد بیمه (بیمه‌گر و بیمه‌گزار) الزامی می‌کند و در واقع نوعی تأمین و تعهد در پرداخت خسارت است» (جمالیزاده، ۱۳۸۰: ۲۴). به‌طور کلی بیمه‌ها را از نظر موضوع به سه دسته بیمه اشیا، بیمه مسئولیت و بیمه اشخاص تقسیم‌بندی کرده‌اند. بیمه‌های اشخاص نیز به پنج دسته اصلی (براساس نوع پوشش‌های ارائه شده) تقسیم‌بندی می‌شوند که عبارتند از: «بیمه‌های عمر، بیمه‌های مستمری، بیمه‌های حوادث، بیمه‌های درمانی و بیمه‌های بازنشستگی» (دستباز، ۱۳۷۳: ۳۳). بنابراین بیمه عمر یکی از اقسام پنج‌گانه بیمه‌های اشخاص شمرده می‌شود و از نگاهی

دیگر در زمره بیمه‌های اختیاری (در برابر بیمه‌های اجباری) قرار می‌گیرد. بیمه عمر را می‌توان چنین تعریف کرد: «قراردادی بین یک شرکت بیمه و یک شخص حقیقی یا حقوقی که به موجب آن شرکت بیمه (بیمه‌گر) تکالیف و تعهداتی در مقابل شخص حقیقی یا حقوقی (بیمه‌گزار) بر عهده می‌گیرد که به مرگ و زندگی یک یا چند شخص حقیقی (بیمه‌شده) بستگی دارد. بیمه‌گر متعهد است که در انتهای مدت بیمه، چنانچه بیمه‌شده در قید حیات باشد، سرمایه بیمه‌نامه را به بیمه‌گزار و چنانچه در طول مدت بیمه‌نامه، بیمه‌شده فوت کند، سرمایه بیمه‌نامه را به وراثت یا ذی‌نفع بیمه‌نامه پرداخت کند. بیمه‌گزار هم متقابلاً تعهد می‌کند که مبلغ حق بیمه را به‌طور اقساط در طی بیمه، به بیمه‌گر بپردازد».

طبق اظهار نظر حقوقدانان، بیمه عمر عبارت است از قراردادی که به موجب آن بیمه‌گر در برابر دریافت حق بیمه متعهد می‌شود که در صورت فوت شخص بیمه‌شده یا در صورت زنده ماندن، در سررسید تعیین‌شده در قرارداد، مبلغ بیمه تعیین‌شده را به بیمه‌گزار (بیمه‌شده) یا استفاده‌کننده معین از سوی او بپردازد (صالحی، ۱۳۸۱: ۷۹). به تعبیر کامل‌تر بیمه عمر، قراردادی است که به موجب آن، بیمه‌گر در مقابل دریافت حق بیمه مقرر، تعهد می‌کند که مبلغ معینی را خواه دفعتاً واحده به شکل سرمایه بیمه‌شده و خواه در مدت معین به شکل مستمری به بیمه‌گزار یا شخص ثالث که از طرف بیمه‌گزار (بیمه‌شده) تعیین می‌شود یا به وراثت بیمه‌شده بپردازد. موعد ایفای تعهد بیمه‌گر ممکن است فوت بیمه‌شده یا حیات او در زمان معین باشد.

ج) انواع بیمه‌های عمر رایج

بیمه‌های عمر و زندگی تنوع زیادی دارند، ولی از دیدگاه خطری که موضوع بیمه قرار می‌گیرد، به سه دسته «بیمه‌های به شرط حیات»، «بیمه‌های به شرط خطر فوت» و «بیمه‌های مختلط» تقسیم می‌شوند:

۱. بیمه به شرط حیات بیمه شده

این نوع از بیمه عمر، قراردادی است که به موجب آن بیمه‌گر متعهد می‌شود در صورت زنده بودن بیمه‌شده تا پایان مدت قرارداد، سرمایه بیمه را به‌طور یکجا یا به‌صورت مستمری بپردازد. علت اصلی انعقاد این نوع بیمه، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و هدف بیمه‌گذار ایجاد تأمین معین و مناسب یا مستمری شخصی برای دوران پیری خود یا ذی‌نفع است. بنابراین اگر بیمه‌شده قبل از انقضای مدت قرارداد فوت کند، صرفاً حق بیمه‌های پرداختی ساقط شده باشد، حق بیمه‌ها نیز قابل استرداد نیست و متعلق به بیمه‌گر خواهد بود (محمود صالحی، ۱۳۸۱: ۷۴).

۲. بیمه به شرط خطر فوت بیمه شده

در این نوع از بیمه عمر، تنها خطر فوت شخص بیمه‌شده، مورد تأمین بیمه‌گر قرار می‌گیرد. البته در برخی از انواع بیمه‌های عمر به شرط فوت، زمان فوت تأثیری در تعهدات بیمه‌گر ندارد، به این معنا که فوت بیمه‌شده در هر زمان، بیمه‌گر را مکلف به پرداخت سرمایه بیمه به ذی‌نفع می‌کند. هدف این بیمه عمر، حمایت از اعضای خانواده یا افراد تحت سرپرستی شخص بیمه شده، در قبال پیامد ناگوار فوت شخص بیمه شده است. در واقع، این نوع بیمه مفید حال کسانی است که تأمین مخارج و معاش عده‌ای (اعضای خانواده) را به دوش دارند. بیمه عمر به شرط فوت نیز انواع گوناگونی دارد و مهم‌ترین انواع آن بیمه تمام عمر (کامل) و بیمه عمر زمانی (موقت) هستند (بو، ۱۳۷۸: ۷۶).

۳. بیمه‌های عمر و پس‌انداز (مختلط پس‌انداز)

این نوع بیمه‌ها، از ترکیب دو نوع بیمه به شرط فوت و بیمه به شرط حیات پدید می‌آید. در این نوع قرارداد بیمه، مخاطره فوت و احتمال زنده ماندن بیمه‌شده، یکجا و همزمان مورد تأمین بیمه‌گر قرار می‌گیرد و عنوان آمیخته یا مختلط به این معناست که بیمه‌گر برحسب اوضاع و احوال و شرایط، به تعهد خود درباره یکی از دو مخاطره عمل می‌کند.

این نوع بیمه پیوندی، با وجود حق بیمه به نسبت سنگین، از کامیابی آشکاری برخوردار است (اوبر، ۱۳۷۸: ۲۵). بیمه‌های مختلط پس‌انداز از یک بیمه موقت با سرمایه نزولی و یک عامل پس‌انداز صعودی تشکیل شده است. یعنی عامل پس‌اندازی به تدریج فراوان می‌شود تا آنکه در پایان مدت با سرمایه بیمه برابر شود. این مدت زمان به طور معمول ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵ و ۳۰ سال یا بیشتر است (باقری گیگل، ۱۳۸۴: ۶۷). بیمه عمر و پس‌انداز، افزون بر حمایت مالی خانواده، در هنگام فوت نان‌آور آن، از جنبه پس‌اندازی نیز مفید خواهد بود. جنبه پس‌اندازی این بیمه‌نامه برای افزایش استقبال بیمه‌گذاران از این محصول اضافه شده و روش پرداخت اقساط این بیمه‌نامه‌ها به صورت ماهیانه، سه‌ماهه، شش‌ماهه، سالیانه و یکجاست. هدف این بیمه‌نامه‌ها فراهم کردن سرمایه برای تأمین هزینه تحصیلات فرزندان در صورت فوت و تشکیل سرمایه و پس‌اندازی در دوران پیری و از کار افتادگی است (رضازاده برفویی، ۱۳۸۵: ۲۱).

د) حقیقت بیمه عمر

در بیمه عمر بر حسب اینکه شخص بیمه‌شده خود بیمه‌گزار باشد یا دیگری و دریافت‌کننده سرمایه، بیمه‌گزار باشد یا ثالث، نوع بیمه عمر نیز تغییر می‌کند. به تبع آن حقیقت و ماهیت حقوقی آن نیز متفاوت خواهد بود. بر این اساس در بیمه عمر پنج حالت ممکن است:

۱. بیمه‌گزار خود را به نفع خویش بیمه کند: در بیمه عمر به شرط حیات توافق شود که چنانچه بیمه‌گزار بعد از ۵۰ سالگی زنده بود، بیمه‌گر مبلغ معینی را به او بپردازد.
۲. بیمه‌گزار ثالث را به نفع خود بیمه کند: در بیمه عمر به شرط فوت، توافق شود که اگر فرد معین در بیمه‌نامه فوت کند، بیمه‌گر مبلغ معینی به بیمه‌گزار بدهد.
۳. بیمه‌گزار خود را به نفع ثالث بیمه کند: در بیمه عمر به شرط فوت، توافق شود که در صورت فوت بیمه‌گزار، مبلغ معینی به همسر و فرزندان او پرداخت شود.

۴. بیمه‌گزار ثالث را به نفع ثالث بیمه کند: در بیمه عمر به شرط حیات، توافق شود در صورتی که فرزند بیمه‌گزار به سن معینی برسد، مبلغ معینی به او پرداخت شود.

۵. بیمه‌گزار ثالث را به نفع ثالث دیگر بیمه کند: در بیمه عمر به شرط فوت، توافق شود که اگر انفاق‌کننده چند فقیر فوت کند، مبلغ معینی به صغار او پرداخت شود.

در سه حالت اخیر، استفاده‌کننده از سرمایه بیمه، شخصی غیر از طرفین اصلی قرارداد است. حال سؤال این است که چگونه ممکن است شخصی خارج از عقد، از آن منتفع شود؟ مگر بر طبق اصل نسبی بودن قراردادهای، اثر عقود، به عاقدان آن محدود نیست؟ در پاسخ باید گفت: تعهد به سود ثالث از استثنای وارد بر این اصل است. بیمه عمر در بعضی از صور آن نوعی تعهد به نفع ثالث است (گرجی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۷). برای تشریح روابط حقوقی بیمه‌گزار، بیمه‌گر و استفاده‌کننده، باید حقیقت و ماهیت این عمل حقوقی شناخته شود. راجع به ماهیت حقوقی بیمه عمر به نفع ثالث، نظرهای مختلفی ارائه شده است. عده‌ای آن را شبیه حواله یا وصیت دانسته‌اند و عده دیگری سعی در تحلیل آن بر اساس تعدد عقد یا عقد فضولی یا ایقاع داشته‌اند. از این رو به بررسی نظریات مختلف راجع به ماهیت حقوقی بیمه عمر به نفع ثالث می‌پردازیم.

۱. دیدگاه تعدد عقد و نقد آن

بر اساس این نظریه ابتدا عقد بیمه عمر بین بیمه‌گزار و بیمه‌گر منعقد می‌شود، سپس بیمه‌گزار طلب خود را که ناشی از این عقد است، به موجب قرارداد جدیدی به ثالث (استفاده‌کننده) منتقل می‌کند. اگر شخص ثالث موافقت کرد، با ایجاب و قبول طرفین، قرارداد جدیدی منعقد می‌شود که طلب بیمه‌گزار را به استفاده‌کننده انتقال می‌دهد. دیوان کشور فرانسه در آرای اولیه خود، این دیدگاه را در مورد بیمه عمر پذیرفته است (مشایخی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۴۱۰). این دیدگاه ایراد مربوط به تجاوز اثر عقد به دیگران را از بین می‌برد، ولی خود آثار نامطلوبی به بار می‌آورد. از این رو در نقد دیدگاه مذکور می‌توان گفت:

۱. چنین تحلیلی با قصد واقعی طرفین منطبق نیست و هیچ‌گاه عقد دومی ولو به‌طور ضمنی با استفاده‌کننده منعقد نمی‌شود. چه بسا در بیمه عمر، اصلاً ثالث تا بعد از فوت بیمه‌گزار، از وجود چنین بیمه‌ای به نفع خود آگاه نشود، چه رسد به اینکه طرف عقد باشد (نشاط، ۱۳۸۱: ۳۸).

۲. برای شخص استفاده‌کننده، حق از زمان قبول او به‌وجود می‌آید. بنابراین هرگاه هر یک از بیمه‌گزار یا استفاده‌کننده، قبل از قبول فوت کند، ایجاب نیز از بین می‌رود و موردی برای قبول باقی نمی‌ماند. در حالی که استفاده‌کننده اغلب بعد از فوت بیمه‌شده قبول خود را اعلام می‌کند. به این ترتیب سؤالات بین ایجاب و قبول که در یک مدت معقول باید موجود باشد نیز منتفی است (امامی، ۱۴۷۵، ج ۱: ۱۸۹).

۳. براساس این دیدگاه سرمایه بیمه ابتدا وارد مالکیت بیمه‌گزار و سپس به‌موجب قرارداد جداگانه‌ای وارد مالکیت استفاده‌کننده می‌شود. این امر سبب خواهد شد که در فاصله انتقال مالکیت سرمایه بیمه به استفاده‌کننده، در صورتی که بیمه‌گزار فوت کند، این سرمایه جزو ترکه او محسوب شود و به مصرف پرداخت دیون برسد. در حالی که این امر برخلاف فلسفه بیمه عمر است، چرا که هدف بیمه‌گزار تأمین آتیۀ خود یا وراثت بوده است.

۲. دیدگاه حواله و نقد آن

بین بیمه عمر و حواله شباهت‌هایی وجود دارد. در هر دو، شخصی به غیر از طلبکار و بدهکار از آن سود می‌برد. در عقد حواله، محیل به بدهکار خود (محال‌علیه) دستور می‌دهد که طلب را به محتال بپردازد، چنانکه در بیمه عمر به سود شخص ثالث بیمه‌گزار با بیمه‌گر توافق می‌کند که وجه بیمه به استفاده‌کننده پرداخت شود. اما شباهت ظاهری میان وضع استفاده‌کننده و محتال نباید سبب یکسان پنداشتن این دو عقد شود.

در نقد دیدگاه مذکور نیز می‌توان ادعان کرد که:

۱. عقد حواله متشکل از دو عمل حقوقی ادغام شده است که موجب آن طلب محیل از محال‌علیه به محتال منتقل می‌شود و به موجب توافق محتال با محال‌علیه، دین محیل را

محال‌علیه بر عهده می‌گیرد، در حالی که در بیمه عمر ذی‌نفع هیچ نقشی در قرارداد ندارد و توافق اصلی بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر بوده است (کاتوزیان، ۱۴۷۶؛ ج ۴: ۴۷۰).

۲. عقد حواله با قبول واقع می‌شود. ماده ۷۲۵ ق.م.مقرر می‌دارد: «حواله واقع نمی‌شود مگر با رضای محتال و قبول محال‌علیه». در حالی که در بیمه عمر به محض ایجاب و قبول بیمه، بیمه‌گر و بیمه‌گذار عقد محقق شده و تعهد بیمه‌گر نسبت به ذی‌نفع برقرار می‌شود.

۳. حواله وسیله پرداخت دین و یکی از ارکان حواله وجود دین است. «اگر در مورد حواله محیل مدیون محتال نباشد، احکام حواله در آن جاری نخواهد بود». درست است که در بعضی موارد، بیمه عمر به نفع ثالث (استفاده‌کننده) بدهکار نیست (اوبر، ۱۳۷۲: ۵۹).

۴. بیمه عمر یک قرارداد خاص با احکام حواله مستقل از عقود معینه است و مادامی که ذاتاً اقتضای خاص نداشته باشد، قواعد عمومی قراردادها بر آن حاکم می‌شود نه احکام عقود معین دیگر (نشاط، ۱۳۸۱: ۳۹).

۳. دیدگاه عقد فضولی و نقد آن

این نظریه را اولین بار پوتیه^۱ حقوقدان فرانسوی مطرح کرد. به موجب این دیدگاه بیمه‌گذار از طرف ثالث با بیمه‌گر معامله را به صورت فضولی انجام می‌دهد. سپس استفاده‌کننده آن را تنفیذ می‌کند. بنابراین در حقیقت متعهدله، همان شخص ثالث است که به نام او قرارداد منعقد می‌شود. به این ترتیب تعهد به طور مستقیم برای استفاده‌کننده ایجاد می‌شود. حتی اگر استفاده‌کننده پیش از تنفیذ بمیرد، وراثت او می‌تواند عمل فضولی را تنفیذ کنند (مشایخی، ۱۳۵۳: ۴۱۱). در نقد دیدگاه مذکور نیز می‌گوییم:

۱. در معامله فضولی، شخص فضولی معامله را برای ثالث منعقد می‌کند و پس از انعقاد، خود کنار می‌رود و اصیل با ثالث (متعهدله) روبه‌رو می‌شود، در حالی که در بیمه

1. Pothier.

عمر، بیمه‌گزار حق بیمه را به نام و به حساب خود منعقد می‌کند و نماینده ثالث نیست، بلکه خود طرف قرارداد است (کاتوزیان، ۱۴۷۶: ۳۹۳).

۲. در معامله فضولی هزینه‌هایی که صرف شده بر عهده شخص ثالث (متعهدله) است، در حالی که در بیمه عمر، بیمه‌گزار حق بیمه را می‌پردازد و قصد مطالبه آن از استفاده‌کننده را ندارد (امامی، ۱۴۷۵: ۲۵۶).

۳. شخص فضولی حق فسخ معامله فضولی را ندارد، مگر تحت عنوان فضولی، در حالی که در بیمه عمر، بیمه‌گزار می‌تواند عقد بیمه را فسخ کند یا ذی‌نفع را تغییر دهد (مشایخی، ۱۳۵۳: ۴۱۲).

۴. دیدگاه ایقاع و نقد آن

عده‌ای معتقدند با وجود آنکه روابط حقوقی بین بیمه‌گزار و بیمه‌گر یک عقد است، اما تعهدی که بیمه‌گر در مقابل بیمه‌گزار به نفع استفاده‌کننده بر عهده می‌گیرد، یک ایقاع است. به این معنا که رضایت استفاده‌کننده برای ایجاد این تعهد ضروری نیست. در بین معتقدان به این نظریه از حقوقدانان فرانسوی کولن و کاپیتان، تعهد بیمه‌گر در مقابل استفاده‌کننده را یک ایقاع مستقل می‌دانند (امامی، ۱۴۷۵: ۲۵۶؛ لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۶۸؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۲۶). در نقد دیدگاه مذکور می‌گوییم:

۱. درست است که تعهد بیمه‌گر در مقابل استفاده‌کننده، به قبول او نیاز ندارد، ایقاع مستقلی نیست، بلکه این ایقاع نتیجه توافق و تراضی بیمه‌گر با بیمه‌گزار است و نیروی الزام‌آور خود را از این توافق می‌گیرد.

۲. در صورتی که تعهد بیمه‌گر به پرداخت سرمایه بیمه را به استفاده‌کننده، ایقاع بدانیم، به معنای آن است که از زمان تحقق عقد بیمه، این حق برای استفاده‌کننده ایجاد می‌شود. اما باید گفت امکان ایجاد حق به سود استفاده‌کننده با توانایی اسقاط آن ملازمه ندارد (کاتوزیان، ج ۳: ۴۱۱؛ اخلاقی، ۱۳۷۰: ۷۱). در حالی که «ماده ۲۵ قانون بیمه ۱۳۱۶» به بیمه‌گزار حق داده است که استفاده‌کننده را تغییر دهد. چطور ممکن است حقی را که برای

ثالث به موجب عقد بیمه ایجاد شده است؛ بدون رضایت او ساقط کرد و استفاده‌کننده را تغییر داد.

بنابراین با توجه به توضیحات مذکور مشخص می‌شود که بیمه عمر به نفع شخص ثالث، موجب انتقال طلب از بیمه‌گزار به استفاده‌کننده (دیدگاه تعدد عقد) یا سبب ادای دین بیمه‌گزار به استفاده‌کننده (دیدگاه حواله) یا عقد فضولی یا تعهد یک طرفه بیمه‌گر در مقابل استفاده‌کننده (ایقاع) نیست. با مذاقه در قانون بیمه ایران و ایراداتی که اشاره شد، بهتر است ماهیت حقوقی بیمه عمر به نفع ثالث را «ایقاع معلق» بدانیم که معلق‌علیه آن در بیمه عمر به شرط فوت، «فوت بیمه‌شده» و در بیمه عمر به شرط حیات، «حیات بیمه‌شده» و در بیمه عمر مختلط معلق‌علیه آن اعم است از «فوت و حیات بیمه‌شده» در مدت اعتبار بیمه‌نامه. البته باید توجه داشت که این ایقاع اثر الزام‌آور خود را از عقد بیمه می‌گیرد و به‌تنهایی منشأ تعهد نیست.

ه) ادله تحقق مشروعیت بیمه عمر

اعتبار شرعی معامله و مشروعیت یافتن آن، صرف نظر از شروط متعاقدين، متوقف بر چند امر است که بیمه عمر نیز (به‌عنوان یک عقد) باید این شرایط را داشته باشد تا از نظر شرعی، صحیح قلمداد شود؛ اول آنکه مورد تأیید شارع باشد و ادله صحت شرعی، آن را شامل شود. دوم آنکه از سوی عقلاً پذیرفتنی باشد و سوم «عقد» مشروع باشد (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۹۳). بررسی قرارداد بیمه عمر نشان می‌دهد که این قرارداد واجد همه ارکان عقد و معامله است؛^۱ بنابراین، از حیث عقد بودن، اشکالی بر آن وارد نیست. از این‌رو جواز و مشروعیت آن منوط به اثبات دو امر است: «عقلایی بودن» و «شامل شدن عموم ادله شرعی».

۱. یعنی نفس قرارداد و انشای عقد بیمه و در اصطلاح فقهی، ایجاب و قبول، طرفین عقد یا متعاقدين، مورد عقد و عوضین.

۱. عقلایی بودن

صحت هر عقدی منوط به این است که آنچه معامله می‌شود، عقلایی باشد؛ یعنی دارای نفع و ارزش اقتصادی باشد و از نظر عرف، مالیت داشته باشد؛ به همین دلیل، معامله و اجرت گرفتن برای کاری که از غرض عقلایی خالی است، کاری عبث و بیهوده به‌شمار می‌آید، باطل و حرام است و موردی که نزد عقلا قابل اعتنا نیست، مورد معامله قرار نمی‌گیرد (آملی، ۱۴۱۳: ۸۳). در عقلایی بودن بیمه عمر، همین بس که ادبیات اقتصادی دنیا که همواره اصل را بر رفتارهای عقلایی می‌گذارد، این بیمه را به‌عنوان ضرورتی اجتماعی و بر اساس نیازهای جامعه پذیرفته است. علاوه بر آن، از دید بیمه‌گر نیز این قراردادها دارای توجیه عقلایی است. بیمه‌گر با انجام دادن عملیات بیمه‌ای، برای فعالیت‌های متنوع و افراد متفاوت، منابعی را جمع‌آوری و سازماندهی می‌کند که با اداره کردن آنها می‌تواند به سود اقتصادی خود دست یابد. در نهایت، قراردادهای بیمه عمر هم برای بیمه‌گر و هم برای بیمه‌گزار و هم برای نظام اقتصادی، امری کاملاً عقلایی و دارای منافع و مطلوبیت‌هایی است که نمی‌توان به‌راحتی آنها را نادیده انگاشت.

۲. جواز شرعی

جواز شرعی قرارداد بیمه عمر، پس از عقلایی بودن، به این امر بستگی دارد که مورد تأیید شرع باشد. اما اگر در مورد عقود مانند بیمه عمر، که جزو امور نوپدید هستند، و دلیل مستقیم و صریح شرعی بر صحت آنها وجود ندارد، شک شود که آیا از نظر شرعی معتبرند یا خیر، در این صورت حکم چیست؟ برخی فقها می‌گویند: بنا بر اصل اولی، حکم چنین معامله‌ای فساد و بطلان است و بر این امر ادعای اجماع شده است: «انَّ الْأَصْلَ فِي الْمَعَامَلَاتِ كَالْعِبَادَاتِ، الْفَسَادُ، بِمَعْنَى عَدَمِ تَرْتُّبِ الْأَثَرِ شَرْعاً لِأَنَّ تَرْتُّبَهُ عَلَيْهِ أَمْرٌ تَوْقِيفِي يَحْتَاجُ إِلَى ثَبُوتِهِ مِنَ الشَّرْعِ فَمَا لَمْ يَثْبُتْ فَالْأَصْلُ عَدَمُهُ وَالظَّاهِرُ أَنَّ كَوْنَ الْبِنَاءِ عَلَى إِصَالَةِ الْفَسَادِ فِي كُلِّ مَا شُكَّ فِي وَرُودِ دَلِيلٍ عَلَى صِحَّتِهِ مَجْمَعٌ عَلَيْهِ فِيمَا بَيْنَهُمْ...؛ اصل در معاملات (مانند عبادات)

بر فساد است، به این معنا که از نظر شرعی اثری بر آن مترتب نمی‌شود، زیرا ترتب چیزی بر چیز دیگر توقیفی است که لازم است در شریعت ثابت شود، پس اگر ثابت نشود، اصل عدم آن است و هر کجا شک شود که دلیلی بر صحت آن وجود ندارد، اصل بر فساد است» (حسینی مراغی، ۱۴۱۸: ۶)؛ مگر اینکه دلیل شرعی و معتبری بر صحت معامله اقامه شود. جواز و صحت عقود نوپدید به دو امر مستند است: نخست، اطلاق یا دلیل عامی باشد که مورد مشکوک را فرا گیرد؛ دوم، نهی و منع شرعی (که به صورت قانون کلی بیان شده است) شامل آنها نشود. فقهای شیعه به مشروعیت بیمه عمر قائل هستند، چون باور دارند که بیمه با نواهی شرع مخالفت و تعارضی ندارد و همچنین منطبق و موافق با اوامر شارع مقدس است (یقینی، ۱۳۷۹: ۲۲۲).

۳. تمسک به عمومات ادله

معمولاً در متون فقهی به دلایلی برای جواز عقود نوپدید استناد شده است؛ این دلایل که ادله لفظی محسوب می‌شوند، عبارت از دو آیه از آیات قرآن کریم و یک حدیث است که در بیشتر منابع فقهی مشاهده می‌شوند.

دلیل اول: آیه «اوفوا بالعقود» (مائده: ۱)

معنای تحت‌اللفظی آیه این است که «به عقدهای خود وفادار باشید» وفا و ایفا، به لحاظ ماده آن، به معنای «تمام» و «کامل کردن» و «به آخر رساندن» است و منظور از آن در اینجا، عمل به مقتضای آن است و «اوفوا بالعقود» به این معناست که باید به مقتضا و لوازم عقد و قرارداد پایبند بود (نراقی، ۱۳۷۵: ۱۳۳). از این رو، فقها از امر به ایفا، لزوم نفس عقد و التزام به مفاد آن را استفاده کرده‌اند. فقها درباره مفاد آیه «اوفوا بالعقود» به طور کلی سه دیدگاه مطرح کرده‌اند: گروهی از فقها، آیه را مجمل دانسته‌اند و گفته‌اند: چون درباره مفاد آیه چندین احتمال وجود دارد و هیچ احتمالی بر احتمال دیگر ترجیح ندارد، از این رو، به عموم آیه بر صحت و لزوم هیچ عقدی، چه معین و چه نامعین، نمی‌توان استدلال کرد

(نراقی، ۱۳۷۵: ۱۲۵). گروه دیگری، عقود را بر عقود معهود و متداول با پیشینه فقهی حمل کرده‌اند و استدلال به آیه برای صحت عقود نوپدید را صحیح ندانسته‌اند (جمالیزاده، ۱۳۸۰: ۲۸۹). گروهی، به ویژه فقهای متأخر، عقود را بر معنای اعم حمل کرده‌اند و به لحاظ «العقود» که جمع همراه «الف و لام» است، گفته‌اند اصل در الف و لام، جنس است نه عهد؛ و جمع، افاده عموم می‌کند؛ بنابراین، در هر قرارداد و ایجاب و قبولی که عنوان «عقد» از نظر عرف لغت، بر آن صادق باشد، می‌توان به عموم آیه استدلال و آثار و نتایج عقد را بر آن مترتب کرد؛ مگر مواردی که به دلیل خاصی استثنا شده باشند (حسینی مراغی، ۱۴۱۸: ۲۵). «اوفوا» به لحاظ هیئت، صیغه امر است و امر به دلیل عقل یا اطلاق و مقدمات حکمت یا به سبب وضع، ظهور در وجوب دارد (آخوند خراسانی، بی‌تا، ج ۱: ۹۲). همچنین مفاد آیه «اوفوا بالعقود» دلالت بر لزوم وفا به مفاد همه عقود و پیمان‌ها دارد، زیرا «العقود» چون همراه با «الف و لام» آمده است، بر عموم زمانی و افرادی دلالت دارد؛ یعنی هر نوع عقد و پیمانی که در عرف مرسوم است، یا هرگونه عقد و پیمانی که مورد نهی شارع نباشد، مشمول آیه می‌شود (آخوند خراسانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۵۵-۲۵۸). صاحب العروة الوثقی نیز انحصار در عقود را نمی‌پذیرد، و معتقد است که برای مشروعیت عقود نوپدید به دلیل خاص نیاز نیست، بلکه به مقتضای عمومات، هر معامله عقلایی صحیح است، مگر اینکه دلیل خاصی بر عدم صحت آن داشته باشیم (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۷۱۰). لذا هرگونه عقدی که بر اساس رضایت طرفین یا انشای یک طرف پدید آید، صحیح و لازم‌الوفا است و بنا بر تعمیم مفاد آیه، می‌توان بر صحت عقدی استدلال کرد که صحت آن مشکوک باشد، با این شرط که عقد بودن از نظر عرف اثبات شود، و هیچ نهی و ردعی بر صحت آن عقد وجود نداشته باشد (صادقی مقدم، شکوهی نژاد، ۱۳۹۲: ۴۳).

دلیل دوم: آیه «تجارة عن تراض» (قاعدة تراضی)

«... یا ایها الذین آمنوا لاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطلِ إلیا أن تكون تجارة عن تراض منکم»

(نساء: ۲۹)

در باره این آیه نیز بحث‌هایی از حیث معانی لغات و عبارات صورت گرفته است؛ اما آن بخشی که بین فقها بیشترین بحث را دارد، بحث بر سر این موضوع بوده که آیا در این آیه، مفید استثنای متصل است یا منفصل؛ چنانچه استثنا را متصل بدانیم، «الا»، مفید حصر خواهد بود و این یعنی آیه در صدد تمایز اسباب صحیح و باطل تملک است و اسباب صحیح تملک را منحصر در تملک از روی رضایت می‌داند. برخی فقها معتقدند از آنجا که تجارت از روی تراضی، داخل در اکل مال به باطل نیست، پس استثنا منفصل است و در این صورت، دو کبرای کلی از آیه استخراج می‌شود: نخست، اسباب باطل تملک اموال دیگران ممنوع است و معاوضه از راه باطل فاسد است و دوم، تجارت از روی تراضی، از اسباب باطل تملک نیست (انصاری، ۱۳۵۰، ۹۵-۱۱۰). بنابراین، اگر در عرف مردم چیزی مصداق سبب باطل تملک یا مصداق تجارت از روی تراضی باشد، حکم آن روشن است. اگر موردی مردد و مبهم باشد که داخل کدام یک از عناوین است، چون آیه درباره حکم آن مهمل است، در مورد آن، نمی‌توان به این آیه تمسک کرد. اما چنانچه استثنا را متصل بدانیم، مفید حصر خواهد بود و با توجه به اطلاق «تجارة عن تراض» می‌توان با استناد به آیه، همه قراردادهای نوظهور و مشکوک الصحه را صحیح دانست؛ زیرا ملاک صحت معامله، صدق عرفی تجارت بر مورد عقد است و هرچه از نظر عرف، مصداق «تجارة عن تراض» باشد، آن معامله حلال و صحیح است. برخی از فقها نیز معتقدند که آیه در هر صورت، مفید حصر است. اگر استثنا متصل باشد، ظهور در حصر دارد و اگر منفصل باشد، به دلیل قرینه مقامیه، باز حصر استفاده می‌شود؛ چون شارع در صدد بیان اسباب مشروع معاملات و تمایز آنها از اسباب باطل و غیر صحیح تملک و تصرف در اموال یکدیگر است؛ در غیر این صورت، اهمال صورت گرفته و اهمال منحل به این مقصود است؛ پس آیه شریفه، بیانگر انحصار و تمایز بین اسباب باطل و صحیح تملک اموال است (خویی، ۱۴۱۲: ۵۳). به عبارت دیگر، از مفاد آیه استفاده می‌شود که تملک اشیا بر یک شرط متوقف است و آن «تجارة عن تراض» است که در عرف تجاری همان انشای عقد و رضایت طرفین است.

دلیل سوم: روایت «المؤمنون عند شروطهم» (عاملی، ۱۴۱۲: ۱۶)

مضمون این روایت از چنان شهرت و اعتباری برخوردار است که به صورت قاعده فقهی مورد استناد فقیهان قرار می‌گیرد. در اعتبار سندی این مضمون جای هیچ خدشه‌ای نیست و صدور آن از پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام مورد وثوق و اطمینان است (نراقی، ۱۳۷۵: ۱۰؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸: ۲۷۲). فقهای متقدم و متأخر به مضمون این روایات عمل کرده‌اند و در فتاوی خود به آن استناد جسته‌اند. از مفاد حدیث چنین بر می‌آید که بر هر مسلمانی واجب است که به التزامات، تعهدات و شروط خود حتماً پایبند باشد و اگر در مورد کاری، برای کسی انشای تعهد و التزام کنند، باید به آن عمل کرد.

مقتضای عموم مذکور در حدیث، لزوم وفای به شرط است و هر آنچه را انسان برای دیگری ملتزم و متعهد می‌شود و به او وعده می‌دهد، لازم است انجام دهد و به آن وفا کند؛ خواه شروط ابتدایی یا شروط ضمن عقد باشد (نراقی، ۱۳۷۵: ۴۵-۴۸). این روایت از جمله روایاتی است که برای صحت عقود غیرمعین (چون بیمه عمر) بر آنها استدلال شده است. روایت از نظر سند شهرت دارد، پس به صورت یک قاعده فقهی مورد استناد قرار گرفته است (موسوی بجنوردی ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۲۰). شیخ انصاری در این مورد می‌فرماید: «استدلال این قاعده مبتنی بر این است که شرط را مطلق الزام و التزام بدانیم» (انصاری، بی تا: ۲۷). در این صورت حدیث بر وجوب عمل به تمامی عقود و شروطی دلالت می‌کند که اشخاص در هر زمانی منعقد می‌کنند و عقد بیمه از مصادیق عقود عرفی است، لذا التزام به مفاد آن بر اساس حدیث نبوی ضروری خواهد بود (برهانیان و نقیبی ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۸). سرانجام، اینکه قرارداد بیمه عمر، مصداق عقد و تجارة عن تراض است و عمومات و اطلاقاتی که در باب عقود و تعهدات و ضمانت‌ها وارد شده‌اند، یعنی آیات و روایاتی که درباره آنها بحث کردیم، این قراردادها را نیز در بر می‌گیرند.

بیمه عمر در قالب قراردادهای متداول فقهی

فقها و حقوقدانان معاصر اسلامی که موافق جواز و اعتبار شرعی بیمه عمر هستند، برای اثبات مشروعیت، آن را در قالب قراردادهای متداول فقهی تصحیح کرده‌اند که به واکاوی و تحلیل آن می‌پردازیم.

۱.۳. بیمه عمر در قالب عقد صلح

یکی از عقود قابل انطباق با عقد بیمه، عقد صلح است. برخی از فقها و حقوقدانان اسلامی، عقد بیمه را با عقد صلح مقایسه و تطبیق کرده‌اند و از راه انطباق صلح با بیمه، به مشروعیت بیمه، فتوا و نظر داده‌اند. تمام نظام‌های حقوقی، وجود تنازع را یکی از عناصر تشکیل‌دهنده عقد صلح می‌دانند. متأخران فقهای امامیه و به تبع آن حقوق موضوعه ایران (مواد ۷۵۲ الی ۷۷۰ قانون مدنی) برخلاف نظام‌های حقوقی جهان، شکل‌گیری صلح بدون نزاع موجود یا نزاع تحمل را پذیرفته‌اند که صلح در مقام معاملات یا صلح ابتدایی نام دارد. با ادله لفظی، آیات و روایات، سیره عقلا و حکمت تشریح عقود معین، عنصر نزاع لازمه صحت عقد صلح و مشروعیت صلح ابتدایی تردیدپذیر است. با قبول مشروعیت صلح ابتدایی، تعریف صلح با تعریف عقد و قرارداد مترادف می‌شود و تمام عقود معین و نامعین (به جز نکاح) در قالب آن شکل می‌گیرد؛ بنابراین بیمه عمر را چه عقد معین و چه غیرمعین بدانیم، در قالب عقد صلح منعقد می‌شود، که ما این نهاد حقوقی را بیمه عمر در قالب عقد صلح می‌نامیم. بیمه عمر در قالب عقد صلح، عقد معوض و غیرمسامحه‌ای است بنابراین علم تفصیلی به مورد معامله از شرایط صحت این عقد محسوب می‌شود. با توجه به معلوم نبودن وقوع حادثه (فوت یا زنده ماندن شخص) در بیمه عمر، زمان اجرای تعهد و مقدار عوضین، مجهول خواهد بود، بنابراین صحت این عقد به واسطه وجود غرر قابل تردید است. مواد ۷۶۸ و ۷۶۹ قانون مدنی نیز با این عقد تطبیق‌پذیر نیست، زیرا علاوه بر آنکه احتمال قوی وجود دارد که این عقد مسامحه‌ای باشد، ذکر مدت و نفقه معین نیز ابهام مجهول بودن عوضین را برطرف می‌کند. در بسیاری از انواع بیمه عمر، مبلغی که بیمه‌گزار

دریافت می‌کند، بیشتر از مبلغی است که پرداخت می‌کند، یعنی با بهره‌ اضافی. قریب به اتفاق فقها جریان ربا را در صلح سبب بطلان آن می‌دانند، بنابراین در صلح مذکور، شبهه ربا از موانع دیگر صحت این عقد خواهد بود. عقد مورد نظر ما، در خیارات و بطلان، تابع قواعد صلح است؛ حال آنکه بعضی از قوانین بیمه رایج، با این قواعد تعارض دارد. از این رو، به نظر برخی فقیهان (گرجی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۳۰) از جمله مواردی که می‌توان بیمه را بر آن عرضه کرد، باب صلح است، به این طریق که طرفین بر این امر صلح می‌کنند که یکی از آن دو، که شرکت بیمه‌گر باشد، خسارتی را که به طرف دیگر وارد می‌شود، بر عهده بگیرد، مشروط بر اینکه طرف دیگر، مقداری از مال خود را به او بدهد. همچنین شاید، بیمه‌گزار هر ماه مبلغ معینی به شرکت بیمه بدهد، به این شرط که اگر خسارتی به مال یا جان او رسید، شرکت بیمه از عهده آن خسارت برآید. بیمه‌گزار مال خود را برحسب قسط‌بندی، با بیمه‌گر صلح می‌کند به شرط اینکه هرگاه در اموال او آتش‌سوزی، غرق، تلف یا دزدی رخ دهد، آن را جبران کند. بیمه‌گر هم آن را قبول می‌کند و بر این صلح، هیچ‌گونه اشکالی وارد نیست. در این صورت می‌توان عقد بیمه را مصداق صلح مشروط به تحمل خسارت دانست.

۲.۳. بیمه عمر در قالب تکافل

تکافل از قرآن و سنت گرفته شده است. واژه تکافل از واژه عربی «کفالت» به معنای ضمانت کردن گرفته شده است (Jaffer, 2007: 88). در برخی از منابع این واژه را ضمانت طرفینی یا مسئولیت مشترک بیان کرده‌اند (Salahuddin, 2006: 512). برای بسیاری از مردم اصطلاح تکافل تقریباً نو است، در حالی که این مفهوم به سال‌های دور برمی‌گردد و معروف است که مهاجران مکه و انصار مدینه بعد از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از ۱۴۰۰۰ سال پیش این عمل را انجام داده‌اند. تکافل از یک رسم عرب‌ها، به نام حسبیه با معنای اتحاد قومی و دیه (جبران پول خون) گرفته شده است. عمل شرکت‌های تکافل به دو دسته تقسیم می‌شوند: تکافل عمومی و تکافل خانواده. تکافل خانواده یعنی فراهم کردن

مصونیت و امنیت برای افراد، مجموعه‌ای از افراد و خانواده‌های آنها در ارتباط با زندگی‌شان (Ashraf, 2006: 1). تکافل خانواده سازوکار مالی مبتنی بر اصول تعاون است که هدف آن ایجاد مسئولیت به‌منظور حمایت از بیوه‌ها، یتیمان و دیگر بستگان شخص مشارکت‌کننده است (Khanzada, 2006). فقهای موافق مشروعیت بیمه عمر می‌گویند که فعالیت‌های شرکت بیمه، براساس تکافل و تعاون بین بیمه‌گزاران استوار است؛ یعنی به‌وسیله قسط‌هایی که آنان به بیمه‌گر پرداخت می‌کنند، به جبران و دفع خسارت می‌پردازند و شرکت بیمه فقط یک واسطه است که به جمع‌آوری و به‌کارگیری قسط‌ها می‌پردازد؛ یعنی بیمه‌گر حکم نماینده بیمه‌گزاران را دارد. شکی وجود ندارد که طبیعت بیمه بر اساس تعاون استوار است و هرگز تصورشدنی نیست که شرکت بیمه فعالیت خود را با یک بیمه‌گزار ادامه دهد و به‌همین دلیل وجود تعداد زیادی از بیمه‌گزاران شرط ادامه حیات آن است. در ماهیت عمل بیمه امر تعاون ملاحظه می‌شود، بدون اینکه بیمه‌گزاران به وجود آن پی ببرند.

۳.۳. بیمه عمر در قالب عقد ضمان

قرارداد بیمه عمر از حیث ارکان و اهداف شبیه عقد ضمان است و ایجاب و قبول در عقد بیمه، همان عین ایجاب و قبول در ضمان است و وجود مضمون‌عنه در حقیقت و ماهیت ضمان هیچ تأثیری ندارد و اساس در عقد ضمان همان وجود سه رکن: ضامن، مضمون‌له و مضمون است. پس ارکان عقد بیمه مانند ارکان ضمان است و چون عقد ضمان شرعاً درست است، پس معامله بیمه نیز به همین دلیل جایز و شرعاً درست خواهد بود. بر این اساس ادله ضمان و عقود، شامل بیمه عمر می‌شوند؛ چون در این بیمه، ضامن، مالی را که نزد صاحبش موجود است، تضمین می‌کند که اگر خسارتی بر آن وارد آید، یا کلاً تلف شود، ضامن عهده‌دار خسارت آن است. اما از حیث غایات و اهداف، بیمه و ضمان از این لحاظ مشترکند که دنیای معاصر به‌علت پیشرفت سریع فناوری و صنعت انباشته از آسیب‌ها و خطرات است، به‌طوری که مردم به‌منظور حمایت و پیشگیری از آسیب‌ها و

زیان‌ها، به بیمه پناه آورده‌اند. از این‌رو بیمه عمر و ضمان هر دو به‌عنوان وسیله‌ای از وسایل نگهداری و حفظ اموال و حقوق مردم شناخته می‌شوند (علیان، ۱۴۱۶: ۴۵).

۴.۳. بیمه عمر در قالب عقد مضاربه

فقه‌های موافق بیمه می‌گویند در عقد بیمه، نفع مشترکی میان شرکت و بیمه‌گزاران وجود دارد و در عقد مضاربه نیز بین صاحب مال و عامل (مضارب) نفع مشترک ملاحظه می‌شود و همان‌گونه که مضاربه در اسلام مشروع است، پس به دلیل وجود سبب در هر دو معامله، بیمه مشروع خواهد بود. یکی از تفاوت‌های بین بیمه و مضاربه این است که اصل سرمایه، در مضاربه مشخص است؛ اما در بیمه عمر، مقدار وجوه بیمه‌ای که به‌صورت اقساط پرداخت می‌شود و سرمایه بیمه را تشکیل می‌دهد، در عمل نامشخص است؛ زیرا تعداد اقساط پرداختی، منوط به عمر بیمه‌گزار است و مدت عمر افراد معلوم نیست تا با احتساب دفعات پرداخت اقساط بیمه، سرمایه بیمه‌گزار نزد شرکت بیمه مشخص شود.

و) ادله عدم مشروعیت بیمه عمر و نقد آنها

از حدود سه دهه گذشته، گروهی از فقه‌های مذاهب خمس به‌علت تشخیص وجود عناصری مانند ربا، غرر، جهل به یکی از عوضین، قاعده فقهی «من له الغنم فعليه الغرم»، تحدی با قضا و قدر، قمار و رهان، معامله سفهی، اکل مال به باطل، بیع امانی و تعلیق در بیمه‌های عمر رایج، با تأکید بیشتری موضوع غیرشرعی بودن آن را مطرح کردند و بیمه عمر اسلامی (تکافل خانواده) را به‌صورت جایگزینی عاری از ایرادات وارده با سازوکارهای متفاوت به‌جای بیمه‌های عمر پیشنهاد دادند که متأسفانه همین امر یکی از دلایل بسیار مهم پایین بودن ضریب نفوذ بیمه به‌ویژه بیمه‌های زندگی (که امروزه از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها محسوب می‌شود) در کشورهای اسلامی است. از این‌رو در این بخش ضمن تبیین مهم‌ترین دلایل عدم جواز و اعتبار بیمه عمر از دیدگاه فقه‌ها و حقوق‌دانان معاصر، به تحلیل و نقد آنها می‌پردازیم:

۱. غرری بودن قرارداد بیمه عمر

برخی از حقوقدانان اسلامی به دلیل راه یافتن جهالت در عقد بیمه و غرری بودن، آن را باطل دانسته‌اند. قرارداد بیمه عمر از قراردادهای مالی، معاوضه‌ای و احتمالی محسوب می‌شود که بر غرر فاحش مشتمل است، زیرا بیمه‌گزار از ارزش و زمان جبران هیچ اطلاعاتی ندارد، از این رو دچار جهل است. همچنین گاهی مشخص نیست که آیا اصلاً عوضی صورت خواهد گرفت یا خیر؟ بنابراین با توجه به وقوع احتمالی حادثه مورد بیمه (کاهش ارزش سرمایه‌گذاری) و نامعین بودن مقدار یکی از عوضین (میزان خسارت) و تعهد پرداخت، بیمه سرمایه‌گذاری را می‌توان جزو عقود احتمالی و غرری دانست. پس عقد بیمه برای هر دو طرف آن، غرری است. این شبهه شاید در همه اقسام بیمه عمر وارد شود؛ یعنی غرر و ضرر ناشی از احتمال و جهالت، ملازم با عقد بیمه و از ویژگی‌های آن است و در آن، غرر فاحش و بسیار وجود دارد. از سوی دیگر، بیمه عمر از جمله مصادیق ضرورت و اضطرار نیست، تا صحت آن توجیه شود. پس با توجه به روایت نبوی «نهی النبی عن بیع الغرر» (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۳۳۰)، بیمه عمر استفاده‌نشده است. در نقد دیدگاه مطرح‌شده، می‌توان پاسخ گفت که منظور از غرر چیست؟ اگر مقصود از غرر، فریفتن و گول زدن باشد، این معنا در عقد بیمه منتفی است؛ چون بیمه‌گر و بیمه‌گزار از شرایط بیمه آگاهی دارند؛ اگر مقصود جهالت است و از این بابت غرری است، باید گفت که هر جهالتی به صحت عقد خلل نمی‌رساند، بلکه جهالتی به عقد ضرر می‌رساند که موجب ابهام عقد شود و درباره بیمه عمر چنین ابهامی وجود ندارد. در قرارداد بیمه عمر، همانند سایر بیمه‌ها، بیمه‌گزار حق بیمه را می‌پردازد و در مقابل آن تأمین و امنیت خاطر به دست می‌آورد؛ بنابراین، مجهولی وجود ندارد. علاوه بر این، عنصر احتمال درباره بیمه‌گر نیز منتفی است؛ چون بیمه‌گر سببی از انواع بیمه را در اختیار دارد و خصوصیت جمعی بیمه است که فعالیت شرکت‌های بیمه با احتمال خطر و زیان است؛ با این معنا نیز بیمه، «غرر» را سودآور می‌کند. معنای دیگر بیمه عمر از غرر و شمول عقد غرری خارج است؛

چون نه تنها خطری نیست، بلکه قراردادی است که در پی پوشش خطر است و برای رفع خطر پدید آمده است. البته نمی‌توان ادعا کرد که در همه قراردادهای بیمه عمر، این اشکال منتفی خواهد بود. در قراردادهای مبتنی بر شاخص، از آنجا که سرمایه‌گذاری واقعی صورت نمی‌گیرد و مبتنی بودن قرارداد بیمه بر قرارداد دیگری که غرری است، موجب ابطال قرارداد می‌شود (صالح‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۲۸). از سوی دیگر، ادعای غرری بودن قراردادهای بیمه عمر با این واقعیت که تمام شرایط انعقاد و اعتبار این قراردادها در سند بیمه‌نامه به صراحت ذکر می‌شود، پذیرفتنی نیست. خطرهایی که امروزه زندگی بشر را تهدید می‌کنند، سبب شده‌اند انسان بتواند زندگی خویش را تحت پوشش بیمه‌ای قرار دهد، و این حقیقتی است که با هیچ مانع عقلی و شرعی روبه‌رو نیست (صادقی مقدم، شکوهی نژاد، ۱۳۹۲: ۴۴). پس می‌توان عنوان کرد که چنانچه مقصود از لفظ غرر، خطر باشد، قدر متیقن از آن خطری است که عقلاً بر آن اقدام نکنند. در حالی که در مورد عقد بیمه، عقلای جامعه نیز ابایی از انعقاد آن ندارند.

شایان ذکر است که تسری حکم بیع غرری به انواع معاملات دیگر، بدون دلیل است و از طرفی چنانچه فقهی بنخواهد با مقایسه عقد بیمه به بیع غرری، آن را باطل شمارد، از روش قیاس در استنباط حکم بطلان بیمه بهره‌جسته است که این روش در فقه امامیه مردود محسوب می‌شود. از طرفی، با پذیرش بطلان معاملات غرری، سایر عقود مانند شرکت، مضاربه مساقات، حواله و ضمان هم به علت امکان وجود غرر، باید باطل باشد، در حالی که هیچ فقهی به استناد غرر موجود در این دسته از عقود، حکم به بطلان آنها نداده است (برهانیان و نقیبی، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

۲. سفهی بودن عقد بیمه عمر

برخی از فقهای مخالف می‌گویند بیمه عمر، عملی سفیهانه است؛ زیرا بیمه‌گذار احياناً مبالغ بسیاری به شرکت بیمه می‌پردازد و در برابر آن چیزی دریافت نمی‌کند. گرچه بیمه‌گر هم مبالغی دریافت می‌کند، با بروز حادثه و وقوع خسارت، مبلغی چندین برابر قسط بیمه‌ای که

دریافت کرده است، می پردازد و چنین معامله ای سفهی و باطل است؛ اما بیمه گزار در قبال پرداخت حق بیمه، تأمین و آرامش خاطر کسب می کند و بیمه گر نیز با توجه به محاسبات دقیق فنی و تجربی در تعیین میزان حق بیمه، تا حد امکان از زیان خود جلوگیری می کند. برخی از فقها نیز علت بطلان معامله مجهول را سفهی بودن آن ذکر کرده اند. اگر معامله ای در عرف سفهی باشد، باطل است. «مناطق در بطلان بیع مجهول، غرر و سفاهت است» (میرزای قمی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۷۰). با توجه به اینکه ادله صحت عقد و تجارت، امضای معاملات عقلایی هستند و عقد سفهی، معامله عقلایی نیست تا مقتضی برای صحت آن وجود داشته باشد (گرجی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۱) بدیهی است کسانی که به این معامله اقدام می کنند، مقتضیات خود را به خوبی می دانند و تجاربی را اندوخته اند و با محاسبه و سنجش، نوع کالای مورد تقاضای بیمه را می پذیرند، خطر مورد بیمه را محاسبه می کنند، اقساط بیمه ای را با میزان خسارت احتمالی مقایسه می کنند و بر اساس اصول آماری و ملاحظه سوابق، آن را می پذیرند. بیمه گزار نیز کمترین نفعی که از پرداخت اقساط بیمه می برد، گرفتن تأمین است. اقدام عقلا بر بیمه عمر و گسترش روزافزون، شاهد معقول بودن آن است و سفاهتی در آن راه ندارد (حلی، ۱۴۲۷: ۳۶). البته باید گفت که دلیلی بر بطلان عقد سفهی وجود ندارد، آنچه متیقن است، بطلان معامله سفیه است نه عقد سفهی. اما شاید گفته شود که ادله صحت عقود، تنها شامل معاملات عقلایی است، از این رو، ادله مذکور، عقود سفهی را در بر نمی گیرد (صادقی مقدم، شکوهی زاده، ۱۳۹۲: ۴۵).

۳. بیع امان

یکی دیگر از شبهه های بیمه، بیع امان و منظور از بیع امان، این است که محل عقد در بیمه به ادعای موافقان عقد بیمه، امان و امنیت است، یعنی بیمه گر متعهد می شود در ازای قسطهایی که از بیمه گزار دریافت می کند، امان و امنیت به او بدهد. به تعبیر بهتری او را بیمه کند و از آنجایی که امان، شیء نیست که محل خرید و فروش واقع شود، پس عقد بیمه به دلیل نامعلوم بودن محل عقد، باطل است (علوان، ۱۴۱۶: ۳۶). از طرف دیگر بیع

امان و اطمینان، خدمتی اجتماعی است که باید دولت به آن اقدام کند و در صورت کوتاهی و تقصیر از انجام دادن این خدمات، در مقابل خداوند گناهکار است و بازخواست می‌شود، نه اینکه شرکت‌های بیمه برای سود برخی افراد را بیمه کنند و به‌ویژه بیمه عمر که برخی از انواع آن سود فراوان دارد. استاد مصطفی الزرقاء در جواب این شبهه چنین می‌گوید: ممکن است گفته شود که امان، مال در قبال عوض نیست. در جواب باید گفت که مهم‌ترین ثمره‌های زندگی، امان است که خداوند در رابطه با قریش نسبت به آنان منت نموده است، آنجا که می‌فرماید: «فلیعبدوا ربَّ هذا البیتِ الذی اطعمهم من جوعٍ و آمنهم من خوفٍ» (قریش: ۳) و در حقیقت انسان در طول زندگی خویش به‌منظور حصول و دسترسی به امنیت و آرامش روانی برای خود و خانواده‌اش، نهایت تلاش و کوشش خود را می‌کند و گرانبهاترین چیزها را در این راه فدا خواهد کرد. پس در شریعت اسلام چه دلیلی وجود دارد که ثابت کند خرید و حصول آرامش و ضمان در قبال عوض ممنوع باشد؟ (زرقاء، ۱۹۶۵: ۵۲-۵۳).

۴. رهان و قماری بودن بیمه عمر

«قمار عقدی است که به موجب آن فرد قمارباز تعهد می‌کند که به طرف مقابل در صورت ضرر و باخت، مقداری پول یا هر چیز دیگر که به آن توافق کنند، بپردازد. رهان عقدی است که به موجب آن فرد مراهن تعهد می‌کند که در صورت صادق نبودن سخنش در واقعه‌ای غیرمحقق، به طرف مقابل که سخنش راست و صادق شده است، مقداری پول یا هر چیز دیگر که به آن توافق کند، پرداخت نماید» (السنهوری، ۱۹۴۶: ۹۸۵-۹۸۶). قرارداد بیمه عمر نوعی قمار است، زیرا اگر رویداد مورد نظر اتفاق افتد، بیمه‌گر زیان می‌بیند و اگر اتفاق نیفتد، بیمه‌گزار مبلغ خود را از دست می‌دهد. همچنین بیمه‌گزار مبلغ اندکی می‌پردازد به امید اینکه مبلغ بزرگ‌تری به‌دست آورد (علیان، ۱۴۱۶: ۱۶۹). از این‌رو شاید این اشکال وارد شود که همان‌طور که قمارباز به تصور برنده شدن، به قماربازی اقدام

می‌کند، بیمه‌گزار و بیمه‌گر نیز در قرارداد عمر، هریک با تصور جلب منافع خود، به انعقاد قرارداد بیمه اقدام می‌کنند و احتمال دارد هر یک از طرفین قرارداد، در ازای آنچه از دست می‌دهد، چیزی به دست نیاورد. قمار نوعی مخاطره و از دست دادن مال است و بیمه عمر نیز چنین است و این اقدام شامل عموم نهی از قمار در آیه ۹۰ سوره مائده است (میرجلیلی، ۱۳۸۰: ۹۵). در پاسخ باید گفت: صرف نظر از تفاوت‌های ماهوی در انگیزه، اثر و نتیجه اقتصادی، اثرات روحی و روانی، اثرات اخلاقی و نتایج اجتماعی، قرارداد بیمه عمر قراردادی مبتنی بر شانس و اقبال نیست که بتوان آن را به قمار تشبیه کرد، بلکه یک فعالیت منجر به سرمایه‌گذاری مفید اقتصادی است و فرد با قصد کسب درآمد بدون زحمت، وارد قرارداد نمی‌شود، بلکه هزینه‌های متعارفی را برای حفظ سود خود تقبل می‌کند. در قراردادهای مبتنی بر شاخص، این اشکال وارد شده است که اگر طرفین معامله به اتکای بخت و شانس و بدون تحلیل به معاملات شاخص سهام مبادرت کنند، در این صورت، معامله قمار و باطل است (صالح آبادی، ۱۳۸۱: ۲۱۳)؛ در پاسخ به این اشکال نیز می‌توان گفت که هر فعالیت اقتصادی که بدون تحلیل و به اتکای بخت و شانس صورت گیرد، از لحاظ عقلی مردود است و این اشکال، به قراردادهای مبتنی بر شاخص مختص نیست. نتیجه نهایی اینکه بیمه عمر، درست در نقطه مقابل قمار و رهان قرار می‌گیرد.

۵. تحدی با قضا و قدر

یکی دیگر از شبهه‌های عقد بیمه عمر، شبهه تحدی با قضا و قدر الهی است. آنها چنین اعتقاد دارند که بیمه کردن و بیمه شدن، مفهوم تحدی و مبارزه با قضا و قدر الهی دارد و شخصی به تحدی با قضا و قدر الهی می‌پردازد، اما در حقیقت، امر به گونه دیگری است؛ زیرا بیمه مانع وقوع حادثه نمی‌شود و حتی شرکت بیمه چنین ادعایی ندارد، بلکه حقیقت موضوع این است که بیمه، بعد از وقوع قضا و قدر و محقق شدن خطر، به جبران خسارت اقدام می‌کند (علیان، ۱۴۱۶: ۱۳۴). از طرف دیگر، زمان و تاریخ وقوع قضای الهی جزو اختصاص پروردگار جهانیان است که هرگاه اراده کند، آن را بر هر کسی که می‌خواهد

نازل می‌کند، به این دلیل که خداوند سبحان می‌فرماید: «ما اصاب من مصيبة فی الارضِ و لا فی انفسیکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ان ذلك علی الله یسیر» (حدید: ۲۲). در حقیقت تحدی با قدر، امری فراتر از توان است و جز انسان دیوانه کس دیگری نمی‌تواند ادعای چنین قدرت و اعتقادی داشته باشد. در حقیقت بیمه عمر علاوه بر دارا بودن جنبه و ماهیت تعاون و همکاری، پیشگیری برای جبران خسارت و عمل به احتیاط و حذر و اخذ به اسباب و مسببات هم هست. اگر وسایل و ابزارهای حمایت و پیشگیری در دنیا امروز (که مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها را آسان می‌کنند) را بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که اولاً صبر به همراه خشوع و فروتنی و رضا در مقابل درگاه الهی در درجه اول قرار دارد؛ ثانیاً به منظور تحمل خسارت و ضرر کمتر در صورت وقوع حادثه در آینده، به بهترین و متقن‌ترین وسیله و ابزار پناه می‌بریم که امروزه عقد بیمه، بهترین و محکم‌ترین وسیله برای توزیع و سرشکن کردن خسارت به‌شمار می‌رود، بنابراین عقد بیمه به معنای تحدی با قضا و قدر نبوده و چنین برداشتی از عقد بیمه، ناشی از عدم درک و مطالعه عمیق این عقد است.

۶. من له الغنم فعلیه الغرم

در قراردادهای بیمه عمر، بیمه‌گر اصل مال را تضمین می‌کند و خسارت آن را بر عهده می‌گیرد؛ پس باید منافع حاصل از مال نیز به او برسد: «من له الغنم فعلیه الغرم؛ آنکه منافع را می‌برد، زیان را هم باید تحمل کند» (شیخ انصاری، ۱۳۵۰، ج ۳: ۲۴۸). پاسخ این است که پرداخت خسارت به وسیله شرکت بیمه در ازای دریافت حق بیمه و مطابق با سایر قراردادهای بیمه رایج صورت می‌گیرد. ممکن است کاهش ارزشی رخ ندهد و شرکت بیمه به پرداخت خسارت موظف نشود. در واقع، با پرداخت خسارت در مقابل دریافت کارمزد بیمه، کسی که منافی را دریافت کرده، خسارت را نیز متقبل شده و این امر دقیقاً مطابق «من له الغنم فعلیه الغرم» است.

نتیجه‌گیری

نتیجه بحث در زمینه بیمه‌های عمر و زندگی این خواهد بود که قرار گرفتن بیمه عمر در زمره یکی از عقود شناخته شده و مورد تأیید همه فقها، امر مشکلی است و این عقد با هر یک از عقود مطرح شده، تفاوت‌های ماهوی دارد که اجازه نمی‌دهد بیمه عمر را مندرج در این ابواب بدانیم. بیمه‌های عمر بر اساس فقه امامیه فاقد ایراد شرعی هستند و اصولاً بیمه‌های عمر و زندگی، نوعی آرامش و تأمین را برای بیمه‌گزار ایجاد می‌کند. این تأمین علاوه بر جبران نیازهای اقتصادی، از لحاظ اجتماعی هم حایز اهمیت است. از این‌رو، بیمه عمر به عنوان یکی از انواع مهم بیمه، نقش بسیار مهمی در امنیت افراد بازی می‌کند. ماهیت حقوقی بیمه عمر به نفع ثالث «ایقاع معلق» است که معلق‌علیه آن در بیمه عمر به شرط فوت، «فوت بیمه شده» و در بیمه عمر به شرط حیات، «حیات بیمه شده» و در بیمه عمر مختلط، معلق‌علیه آن اعم است از «فوت و حیات بیمه شده» در مدت اعتبار بیمه‌نامه. بیمه‌های عمر و زندگی بر اساس قواعد فقه امامیه، ایراد شرعی ندارند و مانند سایر قراردادهای باید شرایط اساسی صحت معاملات، مانند معین بودن موضوع مشروعیت، جهت رضایت طرفین رعایت شود. علاوه بر لزوم رعایت شرایط اصلی صحت معاملات، رعایت اصول اصلی بیمه مانند سایر بیمه‌ها الزامی است. برخی از فقها و حقوقدانان معاصر اسلامی، بیمه عمر را عقدی باطل و برخی آن را صحیح دانسته‌اند که بیشتر فقهای امامیه در گروه دوم قرار می‌گیرند. اما این گروه نیز از دو زاویه به عقد بیمه عمر نگریده‌اند: برخی آن را عقد مستقلی دانسته‌اند و از این دیدگاه حکم آن را بیان کرده‌اند و برخی نیز بیمه عمر را با عقود معهود و شناخته شده فقهی مقایسه کرده‌اند و با انطباق بیمه با یکی از آنها، به مشروعیت بیمه‌های عمر فتوا داده‌اند.

منابع

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم (بی‌تا)، *کفایه الاصول*، قم مؤسسه نشر اسلامی.
۲. آملی، محمدتقی (۱۴۱۳ ق)، *المکاسب و البیع*؛ تقریرات درس علامه میرزا حسین نایینی، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. اخلاقی، بهروز (۱۳۷۰ش)، *بحثی پیرامون اعتبارات اسنادی*، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۱.
۴. اسماعیل زاده، محمد (بی‌تا)، *بررسی وضعیت تقاضای بیمه‌های عمر در ایران و جهان و عوامل مؤثر بر آن*، مجموعه مقالات چهاردهمین سمینار بیمه و توسعه، تهران، ۱۳۸۶ش.
۵. انصاری، مرتضی (۱۳۵۰ش)، *المکاسب*، تقریر سید محمد کلانتر، تهران: نشر مرتضی.
۶. امامی، سید حسن (۱۳۷۲)، *حقوق مدنی*، جلد دوم، انتشارات اسلامی.
۷. اویر، ژان لوک (۱۳۷۲)، *بیمه عمر و سایر بیمه‌های اشخاص*، ترجمه جانعلی محمود صالحی، انتشارات بیمه مرکزی ایران.
۸. باقری گیگل، اکبر (بی‌تا)، *بررسی عوامل مؤثر بر فروش بیمه‌های عمر با تأکید بر تجربه سایر کشورها و علل موفقیت بیمه‌گران استان خراسان*، (مطالعه موردی شهر مشهد) تهران، فصلنامه صنعت بیمه، سال ۲۰، ش ۲.
۹. بو، روزبه (۱۳۷۳)، *حقوق بیمه*، ترجمه دکتر محمد حیاتی، انتشارات بیمه مرکزی ایران.
۱۰. برهانیان، نقیبه (۱۳۸۶)، *عبدالحسین ابوالقاسم*، بررسی مبانی بیمه در اسلام، پژوهشکده تحقیقات، قم: زمزم هدایت.
۱۱. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر (۱۳۷۰)، *ترمینولوژی حقوق*، انتشارات گنج دانش.
۱۲. _____ (۱۳۷۲)، *حقوق تعهدات*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. جمالی زاده، احمد (۱۳۸۰)، *بررسی فقهی عقد بیمه*، چاپ اول، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۴. حر عاملی (۱۴۱۲ ق)، *وسایل الشیعه*، ج ۱۸، بیروت، مؤسسه آل البیت لإحياء التراث.
۱۵. حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۸ ق)، *العناوین*، ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۶. حلی، حسین (۱۴۲۷ ق)، *بحوث فقهیه*، تقریر عزیزالدین بحر العلوم، بیروت: دار الزهراء.
۱۷. خمینی (ره)، امام روح الله (۱۴۰۳ ق)، *تحریر الوسیله*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. خوبی، ابوالقاسم (۱۴۱۲ ق)، *مصباح الفقاهه فی المعاملات*، تقریر میرزا محمدعلی توحیدی، ج ۱، بیروت: دار الهادی.
۱۹. دستباز، هادی (بی تا)، *اصول و کلیات بیمه های اشخاص*، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چ اول.
۲۰. رضازاده برفویی، حجت الله (۱۳۸۵)، *الگوی مدیریت منسجم خدمات (p8) و تاثیر آن بر خرید بیمه نامه های عمر و پس انداز (مطالعه موردی شرکت بیمه آسیا: استان تهران مرکز)*، تهران، پایان نامه دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. زرقاء، مصطفی (۱۹۶۵ م)، *عقد التأمین*، بیروت: دارالفکر.
۲۲. سنهوری، عبدالرزاق، احمد (۱۹۴۶ ق.م)، *الوسیط فی شرح القانون المدنی*، جلد دوم، بیروت داراحیاء التراث.
۲۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۱ ق)، *تهذیب الاحکام*، بیروت دار صعب.
۲۴. صادقی مقدم، شکوهی نژاد، محمد حسن، رضا (۱۳۹۲)، *حقوق بیمه (کلیات عقد بیمه)*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۵. صالح آبادی، علی (۱۳۸۱)، *امکان سنجی راه اندازی بازار آتی سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار با تأکید بر مسائل شرعی و نیازمندی های بازار سهام*، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۶. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ ق)، *العروه الوثقی*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، طبعه الاولى.
۲۷. عرفانی، توفیق (۱۳۷۱)، *قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران*، انتشارات کیهان.
۲۸. علوان، عبدالله (۱۴۱۶ ق)، *حکم الاسلام فی التأمین*، مصر، دارالاسلام.

۲۹. علیان، شوکت محمد (۱۴۱۶ق)، *التأمین فی الشریعہ و القانون*، الطبعة الثالثة، ریاض، دارالشواف.

۳۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹)، *عقود معین*، جلد سوم، نشر یلدا.

۳۱. _____ (بی تا)، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد سوم، انتشارات بهنشر.

۳۲. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، *مقالات حقوقی، تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران.

۳۳. *مجموعه قوانین بیمه (۱۳۷۴)*، تهران، انتشارات بیمه مرکزی ایران، چاپ سوم.

۳۴. محمود صالحی، جان علی (۱۳۸۱)، *حقوق بیمه*، تهران، بیمه مرکزی ایران، چ اول.

۳۵. مشایخی، دکتر همایون (۱۳۵۳)، *مبانی و اصول حقوقی بیمه*، جلد اول و دوم، انتشارات مدرسه عالی بیمه تهران.

۳۶. مطهری، میرعلی (۱۳۷۷)، *نقش بیمه عمر و پس انداز در اقتصاد خانواده*، فصلنامه تخصصی آسیا، شماره ۹.

۳۷. میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۰)، *مجموعه مقالات دومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی*.

۳۸. موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۷۱)، *مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی، عقد بیمه*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، چ اول.

۳۹. نشاط، امیر صادق (۱۳۸۱)، *غرر و شرط به نفع شخص ثالث در بیمه عمر*، فصلنامه بیمه مرکزی، س ۸، ش ۸.

۴۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵)، *عوائد الایام*، قم: تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۴۱. یقینی، محمدضا (۱۳۷۹)، *بررسی مبانی فقهی بیمه*، تهران، پایان نامه دانشگاه امام صادق علیه السلام.

42. Ashraf , mahammad (2006), *taxation of insurance*. www, accountancy. Com. Pk/ articles.

43. Jaffer, soheil (2007), *Islamic insurance, trends, opportunities & the future of taka fu*, euromoe books.

44. Khanzada, shoaib (2006), *life insurance*, workshop, 14 september, Karachi.